

ترجمه طنز در دوبله فارسی سریال انیمیشن بچه رئیس: بررسی شیوه‌های ترجمه در دو محیط مقصد متفاوت

فرزانه خدابنده* (گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

چکیده

ترجمه طنز کلامی در محیط دیداری شنیداری چالشی جدی برای مترجمان است. هدف از این پژوهش، بررسی ماهیت چالش‌هایی است که ترجمه طنز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. بدین منظور، عبارت‌های طنزآمیز چهارده قسمت از انیمیشن سریالی طنز بچه رئیس توسط پنج مترجم حرفه‌ای شناسایی شده و سپس ترجمه آن‌ها در دو کانال تلویزیونی نهال و جم جونیور مقایسه شدند. هدف از این مقایسه، شناسایی استراتژی‌های به‌کاررفته در ترجمه عبارات طنزآمیز بود. نتایج حاکی از آن است که بین هر پنج مترجم در زمینه شناسایی جوک‌ها، معماها، طنزهای زبانی، ادات سبکی، دست‌انداختن، تحقیر و تمسخر و نیز خودکوچک‌شماری توافق وجود داشته است. مرحله دوم تحقیق نشان داد که «ترجمه تحت‌اللفظی» پربسامدترین استراتژی در دوبله کانال جم جونیور و «جایگزینی» و «حذف» استراتژی‌های غالب کانال نهال بودند. همچنین نتایج نشان داد که کانال نهال، دیالوگ‌ها را به‌گونه‌ای ترجمه کرده که به فرهنگ کودکان ایرانی نزدیک باشد. به‌عبارت دیگر، ترجمه در این کانال مقصدمدار بوده است. این در حالی است که ترجمه کانال جم جونیور چیزی بین بومی‌سازی و بیگانه‌سازی است.

کلیدواژه‌ها: استراتژی‌های ترجمه، ترجمه دیداری شنیداری، دوبله، طبقه‌بندی طنز،

محیط مقصد

* نویسنده مسئول f.khodabandeh@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶

۱. مقدمه

طنز بخش لاینفک آثار ادبی، فیلم و به طور کلی زبان است (تیسگم^۲، ۲۰۰۹). هدف انواع مختلف طنز نظیر جوک، شوخی، و لطیفه سرگرم کردن افراد و خندانیدن آنها می باشد (وندل^۳، ۲۰۱۰). واژه طنز، مفاهیمی نظیر کمدی، مطالب خنده دار و مسخره را نیز پوشش می دهد. علیرغم اهمیت طنز در ارتباطات زبانی روزمره، اجماعی برای تعریف آن در میان صاحب نظران وجود ندارد (چاومه^۴، ۲۰۱۲) زیرا این مفهوم همگانی و وابسته به فرهنگ محور است (رفل سون-وست^۵، ۱۹۸۹). به عبارت دیگر، تعریف طنز بستگی به هدفی دارد که بدان منظور اصطلاح طنز آمیز مورد استفاده قرار گرفته است (آتاردو^۶، ۲۰۰۲).

چون هدف از این پژوهش، بررسی ترجمه طنز در انیمیشن می باشد، لازم است ابتدا به تعریف دو نوع طنز دیداری شنیداری بپردازیم. منظور از طنز شنیداری، دستکاری اجزای زبان گفتاری یا شنیداری شامل کلمات، عبارات، کلمات قصار، حاضر جوابی، تمسخر، تحقیر و سرکوفت و نیز خودکوچک شماری و حکایات بامزه است و هدف از به کارگیری آنها ایجاد اثر طنز آمیز روی بیننده یا شنونده است. از سوی دیگر، طنز دیداری از ایماژهای دیداری نظیر حرکات بدن و حرکات صورت برای خلق طنز استفاده می کند که به خنده بینندگان منجر می شود (داینل^۷، ۲۰۰۹). چون ترجمه دیداری شنیداری شاخه اصلی مطالعات ترجمه است، بررسی حوزه های چالشی نظیر دوبله طنز در این نوع ترجمه توجه زیادی را به خود جلب نموده است (عامری، ۱۳۹۷).

-
1. Humor
 2. Tisgam
 3. Vandaele
 4. Chaume
 5. Raphaelson-West
 6. Attardo
 7. Dynel

نکته مهم دیگری که ترجمه طنز را تحت تأثیر قرار می‌دهد بافت جامعه یا محیط مقصد است. طبق نظر ونوتی^۱ (۲۰۱۷) ترجمه متن خارجی باید همسو با ارزش‌های فرهنگی زبان مقصد باشد. به عبارت دیگر، هر گونه دخل و تصرف در ترجمه زبان مبدأ باید به نفع مخاطبان و نیز فرهنگ زبان مقصد صورت گیرد. هر چه مترجم به زبان و فرهنگ مبدأ و مقصد بیشتر تسلط داشته باشد، ارتباطی منسجم‌تر و نزدیکتر بین مخاطبان و متن ترجمه برقرار می‌کند. به بیان دیگر شناخت هر دو فرهنگ و محیط برای مترجم بسیار ضروری است (حسینی و کمیلی‌دوست، ۱۳۸۹) چراکه محدودیت‌های محیطی، زبانی، اجتماعی و فرهنگی زبان مقصد، ترجمه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (خزاعی فرید و قاضی‌زاده، ۱۳۹۴). مشکل مترجمان این است که نمی‌دانند چگونه اثر طنز در زبان مبدأ را در ترجمه لحاظ کنند و مناسب‌ترین روش را برای انتقال آن به زبان مقصد برگزینند. به نظر دومویج^۲ (۲۰۰۴) وظیفه مترجم تنها ترجمه متن نیست بلکه باید همه جنبه‌های فرهنگی متعلق به هر دو زبان مبدأ و مقصد را در ترجمه لحاظ کند. برای اینکه ترجمه در زبان مقصد پذیرفته شده و جا بیفتد در بعضی از مواقع بایستی ترجمه از اصل اثر فاصله بگیرد (تیموژکو^۳، ۲۰۰۰).

همان‌گونه که ذکر شد، مقوله طنز زبانی، چالشی بزرگ بر سر راه مترجمان قرار می‌دهد (اسپنککی^۴، ۲۰۰۷؛ وندل، ۲۰۰۲) و همواره توجه پژوهشگران ترجمه دیداری شنیداری را به خود جلب کرده است (وندل، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، پژوهش‌های اندکی در حوزه ترجمه طنز در متون دیداری شنیداری کودکان انجام شده است (کسوئی^۵، ۲۰۱۲؛ دنستن و شامپی^۶، ۲۰۱۲؛ نچکییا^۷، ۲۰۱۲؛ نیمینن^۸، ۲۰۰۷؛ روماواتی^۹، ۲۰۱۳). بنابراین، پرداختن به این حوزه و بررسی ترجمه طنز در این نوع

1. Venuti
2. De Mooij
3. Tymoczko
4. Spanakaki
5. Cui
6. Denton & Ciampi
7. Nachkebia
8. Nieminen
9. Rahmawati

متون ضروری به نظر می‌رسد. تا آنجا که نویسنده این جستار اطلاع دارد، محققان معدودی نیز در ایران به بررسی این موضوع در دوبله پرداخته‌اند که از میان آنان می‌توان به امام (۱۳۹۵)، قمی (۱۳۸۸)، جباری و رویزی (۲۰۱۲)، صادقیپور (۲۰۱۳)، دهباشی شریف و میرافضلی کهنگی (۱۳۹۸) اشاره کرد. بنابراین، بررسی طنز در ترجمه محصولات دیداری-شنیداری در ایران، بررسی بیشتری می‌طلبد. نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که عموماً نقش محیط مقصد در انتخاب استراتژی‌های ترجمه در تحقیقات قبلی مغفول مانده است (خدابنده و افضلی، ۲۰۱۶). لذا، این پژوهش به بررسی نقش محیط مقصد در دوبله انیمیشن بچه رئیس از انگلیسی به فارسی در دو کانال تلویزیونی نهال^۱ و جم جونیور^۲ می‌پردازد.

از آنجایی که تشخیص اصطلاحات طنزآمیز و درک مفهوم آن کاملاً شخصی است و انتخاب اصطلاحات طنزآمیز به شخص مترجم بستگی دارد و نیز همه پژوهشگرانی که ترجمه طنز را بررسی کرده‌اند، غیرانگلیسی‌زبان بوده و نتایج آماری مرتبط با پایایی و اعتبار نمونه برداری و تحلیل پژوهش خود را نیز گزارش نکرده‌اند، پژوهش حاضر به یافتن پاسخ به سؤالات زیر پرداخته است:

۱. آیا مترجمان مد نظر پژوهش حاضر، نمونه‌های طنز زبانی موجود در انیمیشن بچه رئیس را شناسایی کرده‌اند؟

۲. استراتژی‌های به‌کاررفته توسط مترجمان در ترجمه عبارات طنز انیمیشن بچه رئیس در دو کانال تلویزیونی نهال و جم جونیور چه هستند؟

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. دوبله در ایران

ترجمه دیداری-شنیداری شاخه‌ای جدید در ترجمه‌است که از اوایل قرن بیستم، با آغاز هنر هفتم و صنعت سینما ظهور کرد (خوش سلیقه، عامری، نوروزی، ۱۳۹۸). در کشور ما ایران، رویکرد رسمی کشور برای ترجمه فیملهای خارجی،

1. Nahal TV

2. Gem Junior

رویکرد دوبله محور است (عامری^۱، ۲۰۱۸). قبل از ورود صنعت دوبله به ایران در اواسط دهه ۱۹۴۰، ابزار ترجمه فیلم‌های صامت و باصدا، مترجمی بود که به او دیلماج می‌گفتند. دیلماج هم زمان با پخش فیلم، آن را ترجمه می‌کرد. برای اولین بار در ایران، کمدی فرانسوی پرمیر رندز-ووس با دوبله فارسی پخش شد. دلیل انتخاب دوبله به جای زیرنویس بی‌سوادى عامه مردم ایران در آن زمان بود (عامری، ۲۰۱۸). از آن به بعد، دوبله به‌عنوان گزینه رسمی ترجمه دیداری شنیداری انتخاب شد و همه شبکه‌های تلویزیون ملی و نیز ویدئوهای پخش خانگی موجود در بازار، این نوع ترجمه را به‌کار می‌بردند. در دوبله صدای زبان اصلی با نسخه جدید در زبان مقصد جایگزین می‌شود و از آنجایی که صدای اصلی حذف می‌شود، محتوای فیلم‌های در معرض سانسور و دستکاری است. سانسور همچنین ممکن است به‌علت سخت بودن نوع ترجمه یا تغییرات فرهنگی بین زبان اول و خارجی باشد (خوش‌سلیقه و عامری، ۲۰۱۶). فرایند دوبلاژ در ایران از چند مرحله تشکیل می‌شود: ابتدا، دیالوگ‌های برنامه مدنظر ترجمه می‌شوند. سپس، این دیالوگ‌ها در اختیار مدیر دوبلاژ قرار می‌گیرد تا از لحاظ همگامی آغازی پایانی^۲، لب‌همگامی^۳ و همگامی حرکتی^۴ بررسی می‌شود (چاومه، ۲۰۱۲). برای همگام‌سازی در تصویر، حرکت لب و حرکات بدن، ممکن است متن ترجمه شده بارها بازنویسی و اصلاح شود.

پس از اتمام همگام‌سازی، مدیر دوبلاژ، دیالوگ‌های مربوط به شخصیت‌های مختلف فیلم را روی صفحات جداگانه چاپ می‌کند. پس از آن، نوبت به انتخاب صداپیشگان مناسب می‌رسد. هنگام ضبط صدا، نسخه‌ای از دیالوگ در اختیار دوبلورها قرار می‌گیرد تا با کمک و راهنمایی مدیر دوبلاژ نقش خود را در صداگذاری ایفا نمایند. متخصص صداگذاری، دیالوگ‌ها را ضبط نموده و آن‌ها را با صداهای مناسب و جلوه‌های صوتی تلفیق می‌کند (تهامی^۵، ۲۰۱۱).

1. Ameri
2. synchronizing – isochrony
3. lip synchrony
4. kinetic synchrony
5. Tahami

۲.۲. طنز

ترجمه طنز را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین انواع ترجمه دانست. طنز از دیدگاه‌های مختلف به انواع گوناگونی طبقه‌بندی شده است. برای مثال، اسپنککی (۲۰۰۷) طنز را به سه دسته تقسیم می‌کند: طنز زبانی، طنز جهانی و طنز فرهنگی. طنز زبانی که مربوط به شکل آوایی یا نوشتاری است شامل بازی با کلمات است و به‌خاطر اینکه به ساختار زبان مبدأ وابسته است در بیشتر موارد، غیر قابل ترجمه است؛ ولی در طنز جهانی، انتقال معنا و مفهوم طنز امکان‌پذیر است چون وابسته به هیچ فرهنگ و زبان و مکان خاصی نیست. طنز فرهنگی نیز نوعی از طنز است که با توجه به فرهنگ هر کشور متفاوت می‌باشد. هرچه تفاوت فرهنگی بین دو ملت کمتر باشد، انتقال معنا و مفهوم طنز از زبان و فرهنگ مبدأ به زبان و فرهنگ مقصد آسان‌تر صورت می‌گیرد (اسپنککی، ۲۰۰۷). به نظر برگر (۲۰۱۰) هدف از بیان طنز، غافلگیر کردن مخاطب است. به عبارت دیگر، آنچه مخاطب با آن روبرو می‌شود، چیزی نیست که انتظارش را داشته باشد.

او طنز را چهار گروه تقسیم می‌کند: طنز کلامی (مثل مبالغه، طعنه، حاضر جوابی، مسخره کردن)، طنز منطقی (مثل پرت‌ویلا گفتن)، طنز ماهوی (مثل نقش دیگری را بازی کردن، کاریکاتور) و طنز کنشی (مثل نمایش خنده‌دار همراه با شوخی و سر و صدا). داینل (۲۰۰۹) طنز را به انواع مختلفی شامل جوک، معما، طنز واژگانی^۱، کلمات قصار^۲، ادات سبکی^۳، بازی با کلمات^۴، تحریف^۵، دست‌انداختن^۶، تحقیر^۷ و نیز خودکوچک‌شماری^۸ طبقه‌بندی می‌کند.

1. riddles
2. lexemes
3. witticisms
4. stylistic figures
5. word plays
6. distortions
7. teasing
8. putdowns
9. self denigrating humor

۲.۳. ترجمه طنز

در واقع، ترجمه عبارات طنزآمیز همواره برای مترجمان دشوار بوده است (گارسیا باروس^۱، ۲۰۱۵). به نظر اسپنککی^۲ (۲۰۰۷)، طنز مقوله‌ای شخصی است و تعیین محرک‌ها و انگیزه‌های آن کار ساده‌ای نیست. بسیاری از پژوهشگران از جمله آلکرز اوربانو^۳ (۲۰۱۵)، آرمات، آرمات و گوگول^۴ (۲۰۱۲)، کیارو^۵ (۲۰۱۰)، دنتن و شامپی^۶ (۲۰۱۲)، لایوینا و سبی ینتو^۷ (۲۰۱۲) به دلیل چالش‌های بسیاری که مترجمان در روند ترجمه اصطلاحات طنزآمیز از زبان مبدأ به زبان مقصد با آن روبرو می‌شوند، ترجمه طنز را فرایند بسیار دشواری دانسته‌اند. در همین راستا، نوفوس^۸ (۲۰۱۴) معتقد است انتقال طنز از زبانی به زبان دیگر کار ساده‌ای نیست و بیشتر مترجمان از انتقال تأثیر طنز عاجزند. صادق‌پور و عمار (۲۰۱۵) نیز معتقدند اصطلاحات طنزآمیز منعکس‌کننده آداب و رسوم، رفتارها و عقاید خاص‌اند و معادل دقیقی برای آن‌ها در زبان مقصد وجود ندارد. نکته مهم‌تر این است که قبل از ترجمه طنز، مترجم می‌بایست ابتدا عنصر طنزآمیز را شناسایی و درک کرده و سپس معنا و تأثیر آن را منتقل کند (گارسیا باروس، ۲۰۱۵). با توجه به ابعاد مختلف طنز، دیدگاه‌های متفاوتی درباره ترجمه‌پذیری آن ارائه گردیده است. برای مثال، کیارو (۲۰۱۴) بر این باور است که جملات طنز اساساً ترجمه‌ناپذیرند چون دستیابی به معادل قابل قبول که تأثیری همسان از مطلب طنزآمیز بین زبان مبدأ و مقصد ایجاد کند، دشوار است. او چهار استراتژی مختلف را برای ترجمه طنز معرفی می‌کند: ترجمه تحت‌اللفظی^۹،

1. García Barros
2. Spanakaki
3. Alcaraz Urbano
4. Armat, Armat & Googol
5. Chiaro
6. Denton & Ciampi
7. Lutviana & Subiyanto
8. Nufus
9. Iiteral translation

جانشینی^۱، جایگزینی^۲ و حذف^۳. از نظر حرّی (۱۳۸۵) طنز مربوط به مقولات فرهنگی است و کلماتی مانند جناس و کنایه ترجمه‌ناپذیرند. در مواجهه با ترجمه طنز فرهنگی، اسپنککی (۲۰۰۶) سه روش را پیشنهاد می‌دهد: بومی‌سازی^۴، بیگانه‌سازی^۵ و خثی‌سازی^۶. بومی‌سازی در واقع، ترجمه زبان مبدأ به زبان مقصد می‌باشد به طوری که تفاوت‌های فرهنگی و زبانی برای مخاطب قابل فهم باشد. در بیگانه‌سازی، ترجمه اثر به سمت زبان مبدأ رفته و هویت فرهنگی زبان مبدأ در فرهنگ زبان مقصد حفظ می‌شود. در روش خثی‌سازی تلاش مترجم بر این است تا بتواند از یک سو عناصر فرهنگی زبان مبدأ را حفظ کند و از سوی دیگر نیازها و علایق مخاطب را نیز در فرهنگ و زبان مقصد برآورده سازد.

بسیاری از محققان به بررسی ترجمه‌پذیری یا ترجمه‌ناپذیری طنز پرداخته‌اند. برای مثال، در سال ۲۰۰۹، جنکوسکا^۷ چگونگی ترجمه عناصر طنزآمیز فیلم انیمیشن آمریکایی شرک^۸ از انگلیسی به لهستانی و اسپانیایی را بررسی کرد. او دریافت که بیشتر عبارات و اصطلاحات طنزآمیز ترجمه‌ناپذیرند. در همین راستا، دنتن و شامپی^۹ (۲۰۱۲) به بررسی این نکته پرداختند که آیا مخاطبان کودک ایتالیایی قادر به درک عناصر وابسته به فرهنگ در فیلم کم‌دی پسران تاریخ^{۱۰} هستند یا خیر. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تنها ۵۰ درصد کودکان قادر به فهمیدن نکات وابسته به فرهنگ بودند. آنچه از نتایج این دو پژوهش بر می‌آید این است که مسائل وابسته به فرهنگ را نمی‌توان به‌طور کامل از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل کرد. در پژوهشی مشابه، آلکرز اوربانو^{۱۱} (۲۰۱۵) مشکلاتی را که مترجمان هنگام ترجمه نکات وابسته به

1. substitution
2. replacement
3. omission
4. naturalization
5. exotization
6. neutralization
7. Jankowska
8. Shrek
9. Denton & Ciampi
10. The History Boys
11. Alcaraz Urbano

فرهنگ پیش رو داشتند، در سه فیلم آمریکایی بررسی کردند و خاطر نشان کردند که ترجمه عبارات و اصطلاحات طنز یکی از دشوارترین قسمت‌های ترجمه است و بسیاری از جوک‌ها را نمی‌توان به زبان مقصد برگرداند. این در حالی است که برخی از پژوهش‌های پیشین حکایت از ترجمه قابل قبول عبارات طنزآمیز داشتند. برای نمونه، مارتینز سیرا^۱ (۲۰۰۹) به شناسایی و بررسی راهبردهای ترجمه طنز در دوبله انیمیشن سیمپسون‌ها^۲ از زبان انگلیسی به اسپانیایی پرداخت و نتیجه گرفت که مترجم به خوبی توانسته است مفهوم طنز را از زبان مبدأ به زبان مقصد انتقال دهد. در همین راستا، امیریان و دامنه^۳ (۲۰۱۴) به شناسایی استراتژی‌های به‌کاررفته توسط مترجمان ایرانی در ترجمه انیمیشن طنز آمریکایی «سیمپسون‌ها» پرداختند و دریافتند که عبارات طنزآمیز به‌طور کامل توسط مترجمان ایرانی درک شده و به زبان فارسی برگردانده شده است. نفوس^۴ (۲۰۱۴) نیز ترجمه‌پذیری عبارات طنز را از زبان انگلیسی به زبان اندونزیایی بررسی کرده و نشان داده است که ترجمه عبارات طنز تا حد قابل قبولی، امکان‌پذیر است. جباری و رویزی^۵ (۲۰۱۲) تعدادی از عبارات طنزآمیز را در ده انیمیشن آمریکایی که به زبان فارسی دوبله شده بود، بررسی کردند. نتایج نشان داد نه‌تنها عبارات طنز زبانی و فرهنگی از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده بودند بلکه تعداد عبارات طنز در زبان مقصد بیشتر هم شده بود. اندرس گلر^۶ (۲۰۱۵) نیز پاره‌ای از مشکلاتی را که مترجمان در ترجمه عبارات طنزآمیز فیلم خانواده مدرن^۷ پیش رو داشتند، شناسایی نموده و نتیجه گرفت که ترجمه طنز در ترجمه دیداری‌شنیداری هرگز نمی‌تواند به اندازه عبارات طنز در زبان مبدأ خنده‌دار باشد.

-
1. Martínez-Sierra
 2. The Simpsons
 3. Amirian & Dameneh
 4. Nufus
 5. Jabbari & Ravizi
 6. Andrés Galar
 7. Modern Family Sitcom

عمده پژوهش‌های این حوزه به شناسایی استراتژی‌های مترجمان برای ترجمه طنز اختصاص یافته است. نیمنن^۱ (۲۰۰۷) به بررسی استراتژی‌های دوبله عبارات طنزآمیز زبانی انیمیشن شرک پرداخت. این استراتژی‌ها شامل بازی با کلمات، تلمیح، طعنه و کنایه بودند. نچکیبا^۲ (۲۰۱۲) نیز متن انگلیسی انیمیشن *ماداگاسکار*^۳ را با ترجمه گرجی آن مقایسه کرد و دریافت که این کارتون بیشتر با استفاده از استراتژی انطباق^۴ ترجمه شده است و ارجاعات فرهنگی طنز در فرهنگ مقصد تغییر کرده‌اند. رومواتی^۵ (۲۰۱۳) نیز به بررسی نحوه ترجمه طنز زبانی در ترجمه انیمیشن *ریو*^۶ از انگلیسی به اندونزیایی پرداخته و نشان داده است که برگردان طنز زبانی به زبان مقصد قابل قبول است و استراتژی‌های غالب، شامل بازی با کلمات، تلویح و کنایه‌اند. قمی (۱۳۸۸) نیز عبارات طنز شش کارتون انگلیسی را با دوبله فارسی آن‌ها تطبیق داده و هفت استراتژی بسط، بازنویسی، انتقال، جابجایی، کاهش، تکرار و حذف را شناسایی کرده است. همچنین، کیان‌بخت (۲۰۱۵) به بررسی استراتژی‌های به‌کاررفته در ترجمه زیرنویس عبارات طنزآمیز فیلم *وودی آلن*^۷ پرداخته و دریافت است که مترجمان ایرانی متن اصلی را دستکاری نموده و تا حد امکان ترجمه را بومی‌سازی می‌کنند تا آن را به فرهنگ ایرانی نزدیک نمایند. صادقپور (۲۰۱۳) نیز استراتژی‌های ترجمه فارسی عبارات طنزآمیز را در پنج انیمیشن *عصر یخبندان*^۸، *شرک ۴*، *بعد از همیشه*^۹، *ریو*، *پاندای کونگفوکار*، و *شیرشاه*^{۱۰} بررسی کرده است. او دریافت است که مترجمان ایرانی در ترجمه عبارات اصطلاحی و محاوره‌ای به ترجمه آزاد متوسل می‌شوند تا مخاطبان کودک را بخندانند. عامری (۱۳۹۷) نیز نمونه‌هایی از

1. Nieminen
2. Nachkebia
3. Madagascar
4. Adaptation
5. Rahmawati
6. Rio
7. Woody Allen
8. Ice age
9. Forever After
10. The Lion King

ترجمه طنز در دوبله‌های حرفه‌ای فارسی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که در فیلم‌ها، طنز ممکن است به صورت تصویری، لطیفه، بازی با کلمات، و کلامی بیان شود. در همین راستا، دهباشی شریف و میرافضلی کهنگی (۱۳۹۸) به بررسی استراتژی‌های ترجمه طنز در دوبله انیمیشن زوتوپیا^۱ پرداخته‌اند و پی برده‌اند که مترجم در انتقال طنز موفق بوده است.

در عین حال، آنچه که بیشتر پژوهشگران (نظیر کیارو، ۲۰۱۰؛ فونتس لوکه^۲، ۲۰۱۰؛ چاومه، ۲۰۱۲) بر آن اتفاق نظر دارند این است که هدف اصلی ترجمه طنز حفظ نقشی است که طنز در زبان مبدأ ایفا می‌کند که این در واقع همان ترجمه نقش-گرا^۳ می‌باشد. در این فرایند، گام نخست، تشخیص عنصر طنزآمیز در زبان مبدأ و درک آن و سپس انتقال آن به زبان مقصد است (گارسیا باروس، ۲۰۱۵). همانطور که قبلاً گفته شد، شناسایی عبارت‌های طنز کار ساده‌ای نیست چون مقوله‌ای شخصی و منحصر به فرد است (اسپنککی، ۲۰۰۷) و برداشتی که از عناصر طنزآمیز می‌شود از فرهنگی به فرهنگ دیگر و نیز بین افراد مختلف متفاوت است (نفس ۲۰۱۴). در این راستا، کاررا^۴ (۲۰۰۹) بر این باور است که عبارت طنزآمیز یک متن، اگر در متن دیگری به کار رود، دیگر لزوماً طنزآمیز نیست. ترجمه طنز در ترجمه دیداری شنیداری نیز هرگز به اندازه طنز در متن اصلی خنده‌دار نیست (آندرس-گیلر^۵، ۲۰۱۵). به منظور خلق همان نقشی که عبارت طنز در متن مبدأ ایجاد نموده است، مترجم باید از عنصر خلاقیت در دوبله کارتون‌ها استفاده کند (کوئی^۶، ۲۰۱۲) چون ارزش‌ها، اخلاقیات، و ایدئولوژی فرهنگ‌های مختلف متفاوت از یکدیگر هستند. بنابراین، مترجمان باید در هنگام مواجه با ترجمه طنز عبارات فرهنگی از زبان مبدأ به مقصد خلاقانه عمل کرده و عوامل متعددی را در نظر بگیرند (کیارو، ۲۰۱۰).

1. Zootopia
2. Fuentes Luque
3. skopos
4. Carra
5. Andrés Galar
6. Cui

۲. ۴. بافت جامعه و دوبله طنز

متغیر دیگری که ترجمه طنز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد بافت جامعه یا محیط مقصد ترجمه است که پژوهش‌های مربوط به آن از سال ۱۹۹۰ شروع شد (عامری و خوش‌سلیقه، ۲۰۱۸). برای مثال، فونتس لوکه (۲۰۰۳) سطح پذیرش ترجمه طنز فیلم *دک سپ*^۱ را بررسی نموده و نشان داده است که دوبله فیلم بیشتر از زیرنویس، مخاطبان را تحت تأثیر قرار داده و مخاطبان جملات طنز از زبان انگلیسی به زبان اسپانیایی را درک می‌کنند. اما نتایج تحقیق مشابهی که توسط فونتس لوکه (۲۰۱۰) نقش محیط مقصد را بر دوبله فیلم طنز بررسی کرده، نشان داده است که بیشتر تماشاگران ایتالیایی متوجه جملات طنز نمی‌شوند. در همین راستا، تحقیقات بوکاریا^۲ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که تماشاگران ایتالیایی قادر به درک مسائل فرهنگی زبان خارجی ترجمه‌شده به ایتالیایی نیستند. همانند پژوهشگران پیشین، گال^۳ (۲۰۰۸) کارتون انگلیسی *فرار مرغ‌ها*^۴ را با ترجمه رومانیایی و مجارستانی ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده است که مترجم در ترجمه طنزهای کلامی موفق نبوده است.

کوئی (۲۰۱۲) معتقد است به دلیل تفاوت در ارزش‌ها، اخلاقیات و ایدئولوژی بین فرهنگ‌ها، مترجمان باید از خلاقیت خود در ترجمه کارتونها بهره ببرند. چون نگاه به کودکان از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر بسیار متفاوت است، مترجمان انیمیشن‌های کودکانه باید از ویژگی‌های بافت جامعه‌ای که برای آن ترجمه می‌کنند، آگاهی داشته باشند، چون این بافت، ترجمه آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (شویت^۵، ۱۹۸۱). خدابنده و افضلی (۲۰۱۶) نیز پس از بررسی تأثیر جامعه مقصد بر دوبله فارسی انیمیشن آمریکایی *باب اسفنجی*^۶ دریافته‌اند به دلیل وجود معیارهای فرهنگی و مذهبی ایرانی، دوبله این انیمیشن در کانال تلویزیونی

-
1. Duck Soap
 2. Bucaria
 3. Gall
 4. Chicken Run
 5. Shavit
 6. Sponge Bob Square Pants

ایرانی مقصدمدار است. امام (۱۳۹۵) به بررسی ترجمه فارسی فیلم‌های کارتونی رئیس مزرعه، شنل قرمزی، و پاندای کونگفوکار پرداخت و به این نتیجه رسیده است که ترجمه فیلم‌های خارجی به گونه‌ای صورت می‌گیرند که مخاطب متوجه خارجی بودن فیلم نمی‌شود و ترجمه بیشتر فیلم‌ها از نوع ترجمه آزاد بوده و هدف آن‌ها سرگرم کردن مخاطب است. برزینسکا^۱ (۲۰۱۲) و سانگ^۲ (۲۰۱۲) ترجمه چند فیلم کارتونی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که ترجمه انیمیشن‌ها بایستی متناسب با سن و هویت فرهنگی کودکان زبان مخاطب باشد.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی این است که این پژوهش ابتدا هماهنگی بین پنج مترجم در شناسایی عبارات طنز زبانی موجود در انیمیشن بچه رئیس را ارزیابی کرده است. نکته دیگر اینکه پژوهش‌های پیشین استراتژی‌های دوبله طنز را فقط در یک کانال تلویزیونی بررسی کرده‌اند و توجهی به مقایسه ترجمه کارتون‌های طنز توسط مترجمان مختلف نداشته و نیز نقش محیط مقصد را در ترجمه دیداری شنیداری نادیده گرفته‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است بعد از شناسایی عبارات طنز سریال انیمیشن بچه رئیس، استراتژی‌های به‌کاررفته در ترجمه انیمیشن را در دو کانال تلویزیونی نهال و جم جونیور شناسایی کرده و در این راستا، نقش محیط مقصد را نیز بررسی نماید.

۳. روش پژوهش

سریال انیمیشن بچه رئیس دارای دو فصل می‌باشد که چهارده قسمت از فصل اول آن بررسی شد. دلیل انتخاب این انیمیشن این بود که بچه رئیس نامزد جایزه بهترین انیمیشن آکادمی اواردز^۳ و گلدن گلوبز^۴ بوده و نیز پر از عبارات طنزآمیز زبانی است. در این انیمیشن، نوزادی عجیب و غریب، خوش‌پوش و دارای کیف سامسونت

-
1. Burczynska
 2. Song
 3. Academy Awards
 4. Golden Globes

به‌عنوان برادر تازه‌متولدشده «تیم تمپلتون»^۱ به‌خانه وارد می‌شود. هر قسمت تقریباً ۲۷ دقیقه است که در مجموع، نمونه‌ای ۳۷۸ دقیقه‌ای برای این پژوهش فراهم شد. متن هر قسمت نیز از اینترنت استخراج شد.^۲

نسخه‌های دوبله‌شده این انیمیشن نیز از دو کانال تلویزیونی و ماهواره‌ای گرفته شدند: کانال تلویزیونی نهال که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود و جم جونیور که از ماهواره توسط گروه جم (GEM) پخش می‌شود. تمامی گفتگوهای دو شخصیت اصلی این انیمیشن یعنی «تیم تمپلتون» و «بچه‌رئیس» در ۱۴ قسمت فصل اول به‌عنوان داده‌های اصلی این پژوهش انتخاب گردید، چون بررسی آزمایشی قبل از تحلیل اصلی نشان داد که گفتگوی سایر شخصیت‌ها در نسخه دوبله در هر دو کانال تلویزیونی دستکاری شده‌اند.

۳.۱. روش کار

مترجمان طنز باید خصوصیات لازم برای ترجمه طنز از جمله تجربه کافی، آگاهی از فنون ترجمه و انتخاب روش‌های مناسب در ترجمه طنز، داشتن پیشینه اجتماعی فرهنگی مشترک داشته و از حس شوخ‌طبعی برخوردار باشند (پاریس^۳، ۲۰۱۰). به نظر کیارو (۲۰۱۰) مترجمانی که علاقه به ترجمه طنز دارند بایستی علاوه بر آشنایی با زبان و فرهنگ زبان مبدأ و مقصد، حس شوخ‌طبعی نیز داشته باشند تا متوجه جملات طنز بشوند در غیر این صورت ممکن است متوجه طنز بشوند ولی جملات طنز به نظرشان بی‌مزه باشد.

برای پاسخ به اولین سؤال پژوهش، پرسش‌نامه سنجش شوخ‌طبعی^۴ (SHQ) خشوعی، عریضی سامانی و آقایی (۱۳۸۸) تهیه شده و بین پانزده مترجم در هشت دارالترجمه مختلف اصفهان داده شد تا تکمیل کنند. این پرسش‌نامه شامل ۲۵ سؤال است که مترجمان جواب خود را به‌صورت کاملاً موافقم، موافقم، تا حدی موافقم،

1. Tim Templeton

2. https://www.springfieldspringfield.co.uk/tv_show_episode_scripts.php.

3. Paris

4. Sense of Humor Questionnaire (SHQ)

نظری ندارم، مخالفم، تا حدی مخالفم، کاملاً مخالفم انتخاب کردند. در این پرسش‌نامه هر شرکت‌کننده برای کل پرسش‌نامه یک نمره نهایی کسب می‌کند و نمره بالا در این پرسش‌نامه نشان‌دهنده شوخ‌طبعی بیشتر است. پس از انجام مرحله جمع‌آوری، داده‌ها به نرم‌افزار SPSS وارد شده و پس از تحلیل، از پنج مترجم برای شرکت در این پژوهش دعوت به عمل آمد. مترجمان (۳ مرد و ۲ زن) فارغ‌التحصیل رشته مترجمی زبان انگلیسی با میانگین سنی حدود ۳۴ بودند و سابقه فعالیت آن‌ها در دارالترجمه بین ۳ تا ۵ سال بود.

پس از اینکه این پنج مترجم که دارای خصوصیات لازم برای ترجمه طنز بودند، رضایت و موافقت خود را برای شرکت در این پژوهش اعلام نمودند، روش و هدف مطالعه برای آن‌ها توضیح داده شد. پژوهشگر حاضر، در طی جلسه آموزشی دوساعته، انواع مختلف طنز زبانی را براساس طبقه‌بندی داینل (۲۰۰۹) برای آن‌ها توضیح داد. این مدل، طنز را به انواع مختلفی شامل جوک، معما، طنز واژگانی، کلمات قصار، ادات سبکی، بازی با کلمات، تحریف یا قلب، دست‌انداختن، تحقیر و نیز خودکوچک‌شماری طبقه‌بندی می‌کند. از این پنج مترجم خواسته شد هر چهارده قسمت از این انیمیشن را به زبان اصلی (انگلیسی) تماشا کنند، متن انگلیسی آن را بخوانند و تمامی عبارات طنز آن را شناسایی نمایند.

در مرحله دوم پژوهش که هدف آن شناسایی استراتژی‌های مترجمان ایرانی در ترجمه عبارات طنز و یافتن تفاوت‌های بین آن‌ها بود، عبارات طنزآمیزی را که مترجمان شناسایی کرده بودند، با ترجمه مترجمان ایرانی در دو کانال نهال و جم جونیور به صورت جداگانه مقایسه شد. بدین ترتیب، استراتژی‌های مترجمان در این دو کانال شناسایی شد تا مشخص گردد آیا طبق مدل کیارو (۲۰۱۰)، استراتژی‌های یکسانی توسط مترجمان دو کانال به کار برده شده یا خیر. کیارو (۲۰۱۰، ص. ۶-۷) چهار استراتژی مختلف را برای ترجمه طنز معرفی می‌نماید:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی که در آن عبارات طنز بدون تغییر به زبان مقصد برگردان

می‌شوند.

مثلاً جمله‌ای نظیر *Weird kid, creepy, pants-less?* در کانال جم جونیور به صورت «یه بچه عجیب که فقط پوشک پاش بوده» ترجمه شده است. به عبارت دیگر، در این استراتژی، متن مبدأ به صورت واژه‌به‌واژه ترجمه شده است.

۲. جانشینی که در آن طنز زبانی متن مبدأ با عبارتی تقریباً معادل جایگزین می‌شود. مثلاً جمله *Weird kid, creepy, pants-less?* در کانال نهال، به صورت «یه بچه مرموز، یه خورده کثیف تو این مایه‌ها» ترجمه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، به جای کلمه *pants-less* عبارت جایگزین به کار برده شده است.

۳. جایگزینی که در آن طنز زبانی متن مبدأ با عبارتی اصطلاحی در زبان مقصد جایگزین می‌شود. مثلاً *Stump the chimp, The Two Dollar Double Date* در کانال نهال به صورت «مغز با ۵۳ هزار تومن» جایگزین شده است (مغز گاو ۵۳ هزار تومن می‌ارزد).

۴. حذف که در آن طنز زبانی متن مبدأ به‌طور کامل در دوبله حذف می‌شود. مثلاً جمله *curse these German engineers and their impeccable baby-proofing!* در جم جونیور به صورت «لعنت به این طرح صندلی کودکان» ترجمه شده است (لعنت به طرح این صندلی بچه). همان‌طور که مشاهده می‌شود، برای ساده کردن دیالوگ و قابل فهم کردن آن برای کودکان، عبارت «مهندسين آلمانی» در دوبله حذف شده است.

به منظور بررسی تاثیر محیط مقصد بر انتخاب استراتژی ترجمه، ترجمه عبارات طنزآمیز گفتگوهای این دو شخصیت اصلی در دو کانال نهال و جم جونیور با یکدیگر مقایسه شدند. پس از آن، دلایل استفاده از هر استراتژی براساس مدل چاومه (۲۰۱۲، ص. ۱۵-۱۸) شناسایی گردید. چاومه پنج معیار را برای مفهوم «مقصد ایدئال»^۱ تعریف می‌کند که عبارت است از:

1. ideal receiver

۱. کد یا رمز زبانی^۱: باید بین متن نوشته شده و فرم گفتاری آن که باید روان و یکنواخت باشد، تعادل وجود داشته باشد.
۲. تطابق زمانی قابل قبول^۲: آنچه دوبله شده باید با حرکات لب و دهان بازیگران روی صفحه تلویزیون به لحاظ زمانی تطابق داشته و نیز با حرکات بدن بازیگران تطابق داشته باشد و با آنچه بازیگر مبدأ می گوید نیز هماهنگ باشد.
۳. تعداد معقول و قابل قبول دیالوگ ها^۳: تعداد کلمات متن ترجمه شده باید تناسب لازم را با تعداد کلمات متن اصلی داشته باشد.
۴. انسجام بین تصاویر و واژگان^۴: برای وفادار ماندن به متن مبدأ، باید بین پلات و دیالوگ ها انسجام و هماهنگی وجود داشته باشد.
۵. ترجمه وفادار^۵: متن دوبله باید وفاداری خود به متن مبدأ را از لحاظ محتوا، فرم و نقش حفظ نماید.

۴. نتایج و بحث

به دلیل ماهیت شخصی تشخیص عبارات طنز، میزان هماهنگی پنج مترجم در شناسایی عبارات طنز محاسبه شد. با استفاده از فرمول فلیس کاپا^۶ که در واقع پایایی بین چند ارزیاب را در تحقیقات کمی محاسبه می کند (بیرل و پل^۷، ۲۰۱۱)، میزان هماهنگی بین مترجمان پژوهش حاضر محاسبه شد. طبق فرمول فلیس کاپا، اگر مترجمان نظر موافق برای تعیین کد در ترجمه مورد نظر داشته باشند، نمره کاپا معادل یک می شود و اگر توافقی بین مترجمان نباشد نمره کاپا صفر می شود. هرچه نمره به یک نزدیکتر باشد، توافق بین مترجمان بیشتر است (ابراین و سالدانا^۸، ۲۰۱۴).

1. the linguistic code
2. acceptable synchrony
3. credible and realistic dialogue lines
4. coherence between images and words
5. loyal translation
6. Fleiss Kappa
7. Bayerl and Paul
8. O'Brien & Saldanha

براساس ضریب پایایی کاپا، عبارات طنزآمیزی که از سطح بالایی از پایایی یا هماهنگی بین پنج مترجم برخوردار بودند عبارت‌اند از: جوک (۰/۶۱)، معما (۰/۶۳)، طنز واژگانی (۰/۶۱)، کلمات قصار (۰/۵۴)، ادات سبکی (۰/۶۵)، بازی با کلمات (۰/۴۸)، تحریف یا قلب (۰/۴۸)، دست‌انداختن (۰/۸۹)، تحقیر (۰/۸۰) و خودکوچک‌شماری (۰/۸۰) بودند. مقادیر کمتر از ۰/۶۰ حاکی از عدم وجود هماهنگی قوی بین ارزیابان است. ضریب کاپا و تحلیل آماری مبتنی بر آن عددی بین ۱- تا ۱+ است، که هرچه به ۱+ نزدیک‌تر باشد بیانگر وجود توافق متناسب و مستقیم است. اندازه‌های نزدیک به ۱- نشان‌دهنده وجود توافق عکس و اندازه‌های نزدیک به صفر عدم توافق را نشان می‌دهد (لندیس و کوچ، ۱۹۷۷). براساس این یافته، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر پنج مترجم در زمینه شناسایی جوک‌ها، معماها، طنزهای زبانی، ادات سبکی، دست‌انداختن، تحقیر و تمسخر و نیز خودکوچک‌شماری اتفاق نظر داشته‌اند. جدول ۱ بسامد عبارات طنز را در متن مبدأ این انیمیشن نشان می‌دهد.

جدول ۱. بسامد عبارات طنزآمیز در متن مبدأ انیمیشن بچه‌رئیس

نوع طنز	بسامد	درصد
جوک	۶۸۰	۲۶/۱۳
معما	۳۰	۱/۱۵
طنز واژگانی	۱۷۸	۶/۸۴
ادات سبکی	۸۷	۳/۳۴
دست‌انداختن	۱۰۲۰	۳۹/۲
تحقیر	۵۹۷	۲۲/۹۴
خودکوچک‌شماری	۱۰	۰/۳۸
مجموع	۲۶۰۲	

در مجموع، ۲۶۰۲ عبارت طنز (با در نظر گرفتن هماهنگی بین ۵ مترجم در شناسایی آن‌ها) از متن مبدأ این انیمیشن بر گرفته شدند که از میان آن‌ها جوک

(۲۶/۱۳)، دست‌انداختن (۳۹/۲) و تحقیر (۲۲/۹۴) بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده بودند. در این قسمت، براساس مدل داینل (۲۰۰۹) از هر نوع طنز مثالی می‌آوریم:

چوک واحد کلامی شامل روایت یا دیالوگی است که به تعجب ختم و منجر به منافات یا تناقض می‌شود. مثلاً در مکالمه زیر بین بچه رئیس و یکی از کارکنانی است که می‌خواهد در اتاق خودش اجابت مزاج کند. جمله آخر اطلاعاتی را به دست می‌دهد که موقعیت را روشن‌تر می‌نماید:

زمان	قسمت	دیالوگ	ترجمه
۰۰:۰۱:۰۲	پرستار بچه	The Boss Baby: What in the corporate world? Amal: «Can I get a little privacy?» The Boss Baby: «Amal, are you going corner in my office?» Amal: «You're the one working in the restroom.»	بچه رئیس: این چه کاریه تو دفتر من؟ آمال: میشه یکم تنها باشم؟ بچه رئیس: آمال! آخه تخلیه تو دفتر من؟ آمال: خوب تو آمدی تو دستشویی کار می‌کنی!

معما یا چیستان، سؤالی است که با پاسخ پیش بینی نشده و احمقانه دنبال می‌شود:

زمان	قسمت	دیالوگ	ترجمه
۰۰:۱۱:۳۱	اسکوتر باسکی	Templton: What's wrong, widdle grump-grump? Tummy gurgles? Izzums sweepy? Doodles in the didee? The Boss Baby: Baby talk is hate speech, Templeton. Templton: I got it! - What? See that bump on his gums? He's getting his first tooth. No wonder poor baby is so cranky. The Boss Baby: Staci, what do we have for tooth pain?	تمپلتون: چی شده بد اخلاق؟ شکمت درد میکنه؟ مامان را میخای؟ نکنه جات سرده؟ بچه رئیس: بچه گونه حرف زدن توهینه تمپلتون! تمپلتون: متوجه‌ام، آن برآمدگی را می‌بینی؟ داره دندونش در میاد به خاطر همین بد اخلاق شده. بچه رئیس: استیسی برای دندون درد چی داریم؟

ترجمه	دیالوگ	قسمت	زمان
استیسی: پستونک یخزده	Staci: <i>Frozen pacifier.</i>		

طنز واژگانی در واقع نوعی واژه‌سازی است. مثلاً کلمه کوکی-کوپتر که بچه‌رئیس به جای کلمه هلی کوپتر از آن استفاده می‌کند:

ترجمه	دیالوگ	قسمت	زمان
بچه‌رئیس: میخای خفه شم تمپلتون؟ باید این خوشمزها را پوره کنی. مادر: بچه‌ها بشقابتون را تموم کردید؟ اگر غذاتون را خوردید براتون کلوچه بیارم؟ تمپلتون: تا به دقیقه دیگه. بچه‌رئیس: لهش کن تمپلتون، می‌خام اینقدر نرم بشه که بتونم کلش را به لقمه کنم. پدر: خیلی خوب، کولوچه‌ها دارند میانند.	The Boss Baby: What? Are you trying to choke me, you homicidal maniac? Gotta mash those mammajammas! - [Mom.] Mother: Ready for me to clear plates? - Templton: One more minute! Mother: I bought cookies if you're done! The Boss Baby: Mashed, Templeton! I want it pureed so fine, it'll be in my diaper by sundown. [Dad.] Father: <i>Okay, here comes the cookie-copter!</i>	اسکوتر باسکی	۰۰:۱۱:۳۱

کلمات قصار، پاسخ‌های زیرکانه به سؤالات است. مثلاً:

ترجمه	دیالوگ	قسمت	زمان
بچه‌رئیس: من میتونم لوبیات را بخورم، منتهی مجانی؟ من کاسبم، نکنه شخصیتم آتش گرفته و از بین رفته؟ تمپلتون: اینکه کاسبی نیست! ما به خانواده‌ایم ناسلامتی؟ بچه‌رئیس: من ناسلامتی-ملامتی حالیم نیست تمپلتون، من فقط معامله می‌کنم، زندگی را کاسبی می‌بینم.	The Boss Baby: I'm happy to eat the beans, but for free? [gasps.]. Was there a fire that burned down the rules of business? Templton: This isn't a business. We're a family. - <i>We're supposed to?</i> The Boss Baby: <i>I don't live in «supposed-ta, Templeton.»</i> I live in the free market. It's all business	اسکوتر باسکی	۰۰:۰۱:۵۵

ادات سبکی شامل تشبیه و مقایسه است که به منظور مقایسه چیزی با چیز دیگر با استفاده از کلماتی نظیر «شبیبه» یا «مثل» به کار می‌رود:

زمان	قسمت	دیالوگ	ترجمه
۰۰:۰۲:۳۳	اسکوتر باسکی	The Boss Baby: What? Are you trying to choke me, you homicidal maniac? Gotta mash those mammajammas! - Mashed, Templeton! I want it pureed so fine, it'll be in my diaper by sundown. «Come on, beat it like it owes you money!»	بچه رئیس: میخای خفه شم تمپلتون؟ باید این خوشمزه‌ها را پوره کنی، لهش کن تمپلتون، میخام اینقدر نرم بشه که بتونم کلش را به لقمه کنم. یه جوری بزنی انگار پولت را خورده

بازی با کلمات (شامل هماینها، اصطلاحات، هم‌نام‌ها، کلمات چندمعنایی‌ها و هم‌آواها) معمولاً به جوکی بر می‌گردد که معنای دیگری از یک کلمه را خطاب قرار می‌دهد یا به کلماتی بر می‌گردد که در تلفظ یکسان و در معنا متفاوتند:

زمان	قسمت	دیالوگ	ترجمه
۰۰:۰۳:۲۰	گره در گهواره	elevator bell rings.] - [alarm blaring.] [scoffs.] He's finally here! The Boss Baby: Snitches get stitches, Peg. [blaring continues.] The Boss Baby: Wait, what happened? Mega Fat CEO Baby: Whee-oo-whee-oo! Drama, drama, drama! There's a critical threat to our company. Boss Baby is our man in the field. He's supposed to catch these things.	استیسی: آن بالآخره آمد. بچه رئیس: همه را برق میگیره ما را چراغ نفتی! داغون! صبر کن! چه اتفاقی افتاده؟ رئیس بزرگ جناب مگا توپوله: بدبخت شدیم، بدبخت شدیم، بدبخت شدیم، یه خطر بزرگ شرکت را تهدید میکنه، بچه رئیس باید مشکل را حل کنه، رسیدگی به این جور کارها با انه.

تحریف یا قلب بر پایه جایگزینی، حذف یا اضافه به فرم و معنای اصلی متن صورت می‌گیرد که منجر به خلق ضد ضرب‌المثل‌ها می‌شود:

زمان	قسمت	دیالوگ	ترجمه
۰۰:۲۱:۵۰	ماشین غول	<p>Why did we ever make babies compete against each other? We're awful! This pageant is awful!</p> <p><i>By the power vested in me as a celebrity with a microphone, I hereby declare this pageant canceled forever. All babies are winners. Or, at least, most.</i></p>	<p>پدر: چرا کاری می‌کنیم که بچه‌ها رقیب هم بشند؟</p> <p>مادر: ما خیلی بدیم این اصلاً مسابقه نیست!</p> <p>مجری: حالا من با اختیاراتی که به‌عنوان مجری مسابقات دارم اعلام می‌کنم که این مسابقه برای همیشه جمع شد همه بچه‌ها برنده هستند حداقل بیشترشون.</p>

دست‌انداختن که در واقع خنده‌دار و در عین حال همراه با عصبانیت یا انتقاد است، نقش‌های معنایی متعددی نظیر تمسخر، تهدید یا ادا درآوردن را ایفا می‌کند:

زمان	قسمت	دیالوگ	ترجمه
۰۰:۰۷:۱۹	اسکوتر باسکی	<p>Mega Fat CEO Baby: «Oh, aren't you just a peach, high-tops?»</p> <p>The Boss Baby: I'll take care of this Scooter Buskie.</p> <p>Mega Fat CEO Baby: «Uh, yeah, or else.» «The «else" means I take this matter to my bosses. The Board of Directors. And then I get to fire you, so's we clear.»</p>	<p>رئیس بزرگ جناب مگا توپوله: تو چقدر ساده‌ای پسر جون!</p> <p>بچه‌رئیس: من همین الان میرم و درستش می‌کنم.</p> <p>رئیس بزرگ جناب مگا توپوله: پس چی؟ و گرنه سریع به رئیس‌ام اطلاع میدم، یعنی هیأت مدیره، بعد هم میتونم اخراجت کنم، گفتم که بدونی، دیگه خودت میدونی باشه بچه‌رئیس.</p>

منظور از تحقیر استفاده از عبارات خشن و توهین‌آمیز برای تحقیر یا انتقاد از دیگران است:

زمان	قسمت	دیالوگ	ترجمه
۰۰:۰۷:۱۹	بازگشت بچه‌رئیس	<p><i>The Boss Baby: all right, all right. So, you went to a community college, is it? I don't know! And you the guts to ask me for a bonus, now? Ha! see!</i></p>	<p>بچه‌رئیس: خیلی خوب، خیلی خوب، تو دانشگاه آزاد درس خوندی، درسته؟</p> <p>نمی‌دونم!</p> <p>بچه‌رئیس: حالا هم جرأت پیدا کردی از من رشوه بگیری، درسته؟</p>

طنز خودکوچک‌شماری زمانی استفاده می‌شود که شخص از خودش انتقاد یا گلایه می‌کند:

زمان	قسمت	دیالوگ	ترجمه
۰۰:۰۹:۴۱	پرستار بچه	You know, she's not that bad. I mean, for a babysitter. - Maybe we let this happen – <i>The Boss Baby: No surrender! This is our house. If I can't beat a teenage girl, who am I anymore? [grunts] I'm a little boss! I'm a little boss!</i>	تمپلتون: میدونی، ان شکست ناپذیره، دستمون را خونده، آنقدرها هم بد نیست به‌عنوان پرستار منظوره، بهتره بی خیالشیم. بچه رئیس: تسلیم نمیشیم، اینجا خونه و زندگی ماست اگر نتونیم شکستش بدیم نمی‌تونیم سرمون را بالا بگیریم (در حال خودزنی) من کیم، من رئیس کوچیکم، من رئیس کوچیکم.

در مرحله بعد، برای پاسخ به سؤال دوم، استراتژی‌هایی بررسی شد که مترجمان در دوبله عبارات طنزآمیز دو شخصیت اصلی این انیمیشن در دو کانال نهال و جم جونیور به‌کار گرفته بودند. جدول ۲ بسامد و درصد هر استراتژی و دلایل استفاده از آنها را در کانال جم جونیور براساس مدل چاومه (۲۰۱۲) نشان می‌دهد:

جدول ۲. دلایل استفاده از استراتژی‌های انطباق در کانال جم جونیور

دلایل	درصد	بسامد	استراتژی
همگام‌سازی، طنز	۶۰/۷۲	۱۵۸۰	ترجمه تحت الفظی
طنز	۱۱/۵۲	۳۰۰	جان‌شینی
طنز، ابهام در متن، صحنه‌های نامناسب	۲۲/۱۳	۵۷۶	جایگزینی
ابهام در متن مبدأ، مسائل فرهنگی مربوط به زبان مقصد	۵/۶۱	۱۴۶	حذف
		۲۶۰۲	مجموع

جدول ۲ نشان می‌دهد که ترجمه تحت‌اللفظی استراتژی غالب کانال جم جونیور بوده است. مثلاً جملاتی نظیر «Uh, little bit و Weird kid, creepy, pants-less? of baby acne on my tush در کانال جم جونیور به ترتیب، به صورت «یه بچه عجیب که فقط پوشک پاش بوده» و «نشیمنگاهم چند تا جوش ریز زده» ترجمه شده بودند.

استراتژی دیگری که در کانال جم جونیور استفاده شده است، جایگزینی عبارت طنز متن مبدأ با عبارت اصطلاحی در دوبله بود (۲۲/۱۳ درصد). برای مثال، جملات

you shout your lying mouth!

Mashed, Templeton! I want it pureed so fine, it'll be in my diaper by sundown

به صورت «لطفاً در آن غار علی صدر را ببند بچه» و «لهش کن میخام فردا تو پوشکم یه اثر هنری تحویل بدم» ترجمه شده است.

کم‌بسامدترین استراتژی نیز حذف عبارات طنزآمیز در این کانال است. به‌عنوان مثال، عبارات

Why does your brother look like Halloween just threw up on his face?

Curse these German engineers and their impeccable baby-proofing!

به صورت «چرا داداشت مسخره‌بازی در میاره؟» و «لعنت به این طرح صندلی کودکان» ترجمه شدند.

جدول ۳. دلایل استفاده از استراتژی‌های انطباق در کانال نهال

دلیل	درصد	بسامد	استراتژی
همگام‌سازی	۴/۹۹	۱۳۰	ترجمه تحت‌اللفظی
مسائل فرهنگی مربوط به زبان مقصد، طنز	۴۱/۸۹	۱۰۹۰	جانشینی
مسائل فرهنگی مربوط به زبان مقصد، طنز، ابهام در متن مبدأ	۱۹/۳۶	۵۰۴	جایگزینی
مسائل فرهنگی مربوط به زبان مقصد	۳۳/۷۴	۸۷۸	حذف
		۲۶۰۲	مجموع

جدول ۳ نشان می‌دهد، جایگزینی با ۴۱/۸۹ درصد، حذف با ۳۳/۷۴ درصد و جایگزینی با ۱۹/۳۶ درصد پربسامدترین استراتژی‌های به‌کار رفته در کانال نهال بودند. کم‌بسامدترین استراتژی نیز ترجمه تحت‌اللفظی با ۴/۹۹ درصد فراوانی بوده است. مثلاً جملاتی نظیر

Weird kid, creepy, pants-less?

Uh, little bit of baby acne on my tush.

به ترتیب به‌صورت «یه بچه مرموز یه خورده کثیف تو این مایه‌ها» و «یه جوش کوچولو تو کمرم» ترجمه شده است. به‌عبارت دیگر، واژه کمر جایگزین کلمه نشیمنگاه شده و به‌جای pant-less نیز عبارتی کاملاً متفاوت جایگزین شده است.

برخی از جملات نیز برای اینکه مناسب شرایط فرهنگی و موقعیتی جامعه ایرانی شوند و کودکان با آن‌ها آشنا باشند، در دوبله کانال نهال بازنویسی شده‌اند. مثلاً

Stump the chimp, The Two Dollar Double Date or front row tickets to Patty Feltmonster's Wiggling Jug Band, and we'll throw in Jimbo's personal stuffed companion

که به «مغز با ۵۳ هزار تومن» (مغز گاو ۵۳ هزار تومان می‌ارزد) و «جایگاه اول کنسرت نیما، جهنم و ضرر» ترجمه شده است. در جمله قبلی، ترجمه and we'll throw in Jimbo's personal stuffed companion و «جهنم و ضرر» ترجمه شده است (what the hell!) تا هماهنگی بین تصویر و متن و نیز حرکات لب شخصیت‌ها حفظ شود.

در کانال نهال نیز در ۱۹/۳۶ درصد از موارد، از جایگزینی استفاده شده است. مثلاً جمله خنده‌داری مثل Ugh, it's a human car alarm! به‌منظور بومی‌سازی و اینکه گفتگوهای شخصیت‌ها مقصدمدار باشند، به «مثل صدای جیرجیرک ۶۰ ساله‌اس» ترجمه شده است.

دومین استراتژی به‌کار رفته در کانال نهال، حذف (۳۳/۷۴ درصد) بود. مثلاً عبارت you homicidal maniac? در کانال جم جونیور به «برادر کش قرمزیت؟» و در کانال نهال به «تمپلتون» برگردان شده بود.

با توجه به این نتایج، دلیل به‌کارگیری استراتژی‌های ذکرشده، مسائل مربوط به فرهنگ زبان مقصد (فارسی) است تا بتوان از طریق این استراتژی، دیالوگ‌های متن مبدأ را از لحاظ اجتماعی و فرهنگی مناسب مخاطبان زبان مقصد کرد.

یافته‌های مربوط به سؤال اول این تحقیق که هدف آن بررسی میزان درک مترجمان از مفهوم طنز در متن مبدأ انیمیشن بچه‌رئیس بود، حاکی از وجود هماهنگی در دریافت عبارات طنز توسط هر پنج مترجم بود. براساس این یافته، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین هر پنج مترجم در زمینه شناسایی جوک‌ها، معماها، طنزهای زبانی، ادات سبکی، دست‌انداختن، تحقیر و تمسخر و نیز خود کوچک شماری توافق وجود داشته است. به عبارت دیگر، براساس این نتایج می‌توان گفت که مترجمان در شناسایی پیام‌های طنزآمیز متن انیمیشن بررسی‌شده، مشکل چندانی نداشتند. از سوی دیگر، هیچ‌گونه هماهنگی بین آن‌ها در درک کلمات قصار، بازی با کلمات و تحریف یا قلب وجود نداشت. این یافته بدین معناست که درک انواع طنز ذکرشده از ترجمی به مترجم دیگر متفاوت بود که این مساله، خود مؤید این واقعیت است که دریافت طنز کاملاً شخصی است (کیارو، ۲۰۱۴؛ اسپنککی، ۲۰۰۷) و مفهوم آن نیز از فرهنگی به فرهنگ دیگر فرق می‌کند (کاررا، ۲۰۰۹). درک برخی از گونه‌های طنز نظیر جوک، معما، طنزهای واژگانی، ادات سبکی، تمسخر، تحقیر و خودکوچک‌شماری به دانش وابسته به فرهنگ و زبان نیازی ندارد، ولی درک کلمات قصار، بازی با کلمات و تحریف نیازمند داشتن توانش زبانی (آتاردو، ۲۰۰۲) و دانش کامل فرهنگ زبان مبدأ است (جباری و رویزی، ۲۰۱۲؛ سینتس، ۲۰۰۷). بنابراین درک آن‌ها کاری دشوار و مستلزم دقت بسیار است؛ چون در بافت فرهنگی زبان مورد نظر جای گرفته‌اند (اندرس-گالار، ۲۰۱۵).

برای شناسایی استراتژی‌های به‌کاررفته در دوبله عبارات طنزآمیز انیمیشن انگلیسی بچه‌رئیس به زبان فارسی در دو کانال جم جونیور و نهال، مدل پیشنهادی کیارو (۲۰۱۲) به‌کار گرفته شد. نتایج بررسی چهارده قسمت از این انیمیشن نشان داد پربسامدترین استراتژی بکاررفته در کانال جم جونیور ترجمه تحت‌اللفظی (۶۰/۷۲)

درصد) و در کانال نهال جانشینی (۴۱/۸۹ درصد) است. مثلاً جملاتی نظیر **Weird Uh, little bit of baby acne on my tush** و **kid, creepy, pants-less?** در کانال جم جونیور به ترتیب به «یه بچه عجیب که فقط پوشک پاش بوده» و «نشیمنگاهم چند تا جوش ریز زده» ترجمه شده بودند. روشن است در دوبله به منظور حفظ هماهنگی بین تصویر و کلام شخصیت‌ها که یکی از استانداردهای کیفیت مدل چاومه (۲۰۱۲) است، متن مبدأ به صورت تحت‌اللفظی یا کلمه‌به‌کلمه ترجمه شده است. همین جملات در کانال نهال به ترتیب به «یه بچه مرموز یه خورده کثیف تو این مایه‌ها» و «یه جوش کوچولو تو کمرم» ترجمه شده است. به عبارت دیگر، واژه کمر جایگزین کلمه نشیمنگاه شده و به جای **pant-less** نیز عبارتی کاملاً متفاوت جایگزین شده است. دلیل این است که کلمات تابو باید در دوبله فارسی حذف شوند؛ چون شنیدن این گونه کلمات از لحاظ فرهنگی برای کودکان ایرانی نامناسب است.

استراتژی دیگری که در کانال جم جونیور استفاده شده، جایگزینی عبارت طنزآمیز متن مبدأ با عبارت اصطلاحی در دوبله بود (۲۲/۱۳ درصد). در کانال نهال نیز در ۱۹/۳۶ درصد از موارد، از جایگزینی استفاده شده است. این نتایج هم‌راستا با نتایج تحقیق خدابنده و افضلی (۲۰۱۶) است که خاطر نشان کردند کانال‌های تلویزیونی که در داخل ایران پخش می‌شوند، معیارهای فرهنگی و مذهبی جامعه ایرانی را رعایت نموده و ترجمه‌های مقصدمدار ارائه می‌دهند. دومین استراتژی به کاررفته در کانال نهال، حذف (۳۳/۷۴ درصد) بود. در این کانال، برخی از اصطلاحات طنزآمیز به دلیل اینکه از لحاظ فرهنگی مناسب کودکان ایرانی نبودند، ترجمه نشده بودند. برای مثال، تمامی کلماتی که مفهوم فحش را منتقل می‌کردند، در کانال نهال حذف شدند در حالی که در کانال جم جونیور ترجمه شده بودند. البته در کانال جم جونیور نیز به دلیل ناآشنایی کودکان ایرانی با اصطلاحاتی که ریشه در فرهنگ انگلیسی دارند نظیر اصطلاحات مربوط به ورزش، غذا، جشن‌ها، افراد

مشهور و... و نیز برای ساده کردن دیالوگ‌ها و آسان‌سازی فهم آن‌ها برای کودکان، از استراتژی حذف (۵/۶۱ درصد) استفاده شده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که محیط مقصد منجر به تفاوت معنی‌داری در ترجمه عبارات طنزآمیز در دو کانال نهال و جم جونیور شده است. دوبله کانال جم جونیور به وضوح نشان می‌دهد که مترجمان شیوه‌ای بین بومی‌سازی و بیگانه‌سازی را بر می‌گزینند. آن‌ها برخی از جملات به کاررفته در انیمیشن خارجی را بومی‌سازی می‌کنند تا متناسب با ارزش‌های فرهنگی ایرانی گردد در حالی که عمده برخی از قسمت‌های انیمیشن آمریکایی را نیز دستکاری می‌کنند تا پاره‌ای از عناصر فرهنگی را بیگانه و ناآشنا نشان دهند.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که درک برخی از عبارات طنزآمیز نظیر کلمات قصار، بازی با کلمات و تحریف/قلب کاملاً بستگی به مترجم دارد و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. در حالی که تشخیص سایر گونه‌های طنز نظیر جوک، معما، طنز واژگانی، ادات سبکی، تمسخر، تحقیر و خودکوچک‌شماری برای مترجمان آسان بود.

استراتژی‌های غالب به کاررفته در ترجمه عبارات طنزآمیز انیمیشن آمریکایی بچه‌رئیس به زبان فارسی در کانال جم جونیور، ترجمه تحت‌اللفظی، جایگزینی و جانشینی و در کانال نهال، جانشینی، حذف و جایگزینی بود. جانشینی و حذف به‌عنوان تکنیک‌های بومی‌سازی در نظر گرفته می‌شوند (ونوتی، ۲۰۱۷). بنابراین می‌توان گفت که ترجمه در کانال نهال بیشتر مقصدمدار است، چون در این کانال، صحنه‌ها و مکالمات نامناسب، حذف و با صحنه‌ها و دیالوگ‌هایی که مناسب جامعه ایرانی و زمینه فرهنگی کودکان ایرانی است جایگزین شده بودند.

همچنین، این پژوهش نشان می‌دهد ترجمه این انیمیشن در هر دو کانال نهال و جم جونیور از استانداردهای کیفی مدل چاومه (۲۰۱۲) برخوردار است. حرکات لب و بدن و نیز گفتگوهای شخصیت‌های اصلی این انیمیشن در دوبله، کاملاً همگام‌سازی شده است. از لحاظ قابل اعتماد بودن ترجمه دیالوگ‌ها، می‌توان گفت

که متن ترجمه شده در کانال جم جونیور مناسب تر از متن ترجمه شده در کانال نهال است. این امر بدین دلیل است که استراتژی غالب در کانال جم جونیور، ترجمه تحت‌اللفظی است که این به وفاداری مترجم به متن مبدأ منجر شده است. در حالی که در کانال نهال، جانشینی و حذف استراتژی‌های غالب بودند و لذا متن ترجمه شده از لحاظ محتوای دیالوگ‌ها، وفاداری به متن مبدأ را حفظ نکرده است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که کانال نهال که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، دیالوگ‌ها را مطابق با استانداردها و فرهنگ کودکان ایرانی ترجمه نموده و به عبارت دیگر، ترجمه مقصدمدار ارائه نموده است؛ این در حالی است که ترجمه کانال جم جونیور بیشتر مبدا‌مدار بوده و شیوه‌ای مابین بومی‌سازی و بیگانه‌سازی را انتخاب کرده است.

با وجود این، یکی از اصلی‌ترین محدودیت‌های موجود بر سر راه این پژوهش، عدم تمایل مترجمان به همکاری بود. زمان زیادی صرف شد تا بتوان مترجمانی را پیدا کرد که فرصت و تمایل برای شرکت در این پژوهش داشته و علاقمند به تماشای و تحلیل چهارده قسمت از متن اصلی سریال انیمیشن بچه رئیس باشند. بنابراین، شناسایی ویژگی‌های شخصیتی و میزان شوخ‌طبعی آن‌ها بسیار محدود بود. لذا ممکن است تحلیل‌هایی که توسط این افراد صورت گرفته تا حدودی خطا داشته باشد.

در نهایت، نظر به اینکه هدف نهایی انیمیشن‌های طنزآمیز، خندانند کودکان است، در تحقیقات آتی به تحلیل نظری منظم‌تری برای مقایسه دوبله در دو کانال جم جونیور و نهال نیاز است تا بتوان دریافت کدام کانال در انتقال مفهوم طنز موفق‌تر عمل می‌کند. همچنین پژوهش‌هایی لازم است تا از طریق مقایسه دیالوگ‌های ترجمه شده در دو کانال، نشان دهد کدام کانال مکالمه‌های واقعی روزمره در فرهنگ ایرانی را به‌طور طبیعی منعکس می‌کند. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به بررسی این نکته نیز پردازند که کدام کانال به خلاقیت در ترجمه طنز توجه بیشتری داشته و از لهجه‌های خوشایند استفاده می‌کند.

کتابنامه

- امام، ع. (۱۳۹۵). ترفند های بومی سازی در ترجمه فارسی فیلم های کارتونی: «رئیس مزرعه»، «شنل قرمزی»، و «پاندای کونگفوکار». *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۹(۴)، ۳۵-۵۹.
- حرّی، ا. (۱۳۸۵). درآمدی بر اصول و مبانی ترجمه طنز. *مطالعات ترجمه*، ۴(۱۴)، ۷-۲۲.
- حسینی معصوم، م.، و کمیلی دوست، ه. (۱۳۸۹). بررسی شیوه های معادل یابی واژگانی در ترجمه متون تبلیغاتی و تجاری از انگلیسی به فارسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۲(۲)، ۷۹-۱۰۰.
- خزاعی فرید، ع.، و قاضی زاده، خ. (۱۳۹۴). تأثیر هنجارها بر روند ترجمه (مورد پژوهی: ترجمه های معاصر قرآن مجید). *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۱(۳)، ۸۳-۱۰۱.
- خشوعی، م.، عریضی سامانی، س. ح.، و آقای، ا. (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی پرسش نامه شوخ طبعی. *پژوهش های روان شناختی*، ۲۳، ۲۶-۳۹.
- خوش سلیقه، م.، عامری، س.، و نوروزی، ع. (۱۳۹۸). ترجمه دیداری شنیداری: مفاهیم و اصطلاحات. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- دمیری، س.، و احمدی، ع. (۱۳۸۹). راهبردهای استفاده شده در ترجمه طنز: بررسی ترجمه فارسی. *مطالعات ترجمه*، ۳۱(۱)، ۵۵-۷۱.
- دهباشی شریف، ف.، و میرافضلی کهنگی، س. ف. (۱۳۹۸). انواع طنز و شیوه دوبله آن در انیمیشن زوتوپیا (شهر حیوانات) براساس مدل مارتینز سیرا. *رسانه های دیداری و شنیداری*، ۱۳(۲۹)، ۲۰۹-۲۲۵.
- عامری، س. (۱۳۹۷). ترجمه گفت و گوهای طنز در فیلم. *فصلنامه مترجم*، ۲۷(۶۶)، ۱۴۱-۱۴۶.
- قمی، پ. (۱۳۸۸). راهبردهای دوبله کدهای بیانگر در کارتون از انگلیسی به فارسی. *مطالعات ترجمه*، ۲۵(۷)، ۴۹-۶۶.

Alcaraz Urbano, A. (2015). *The translation of humour from audiovisual content: an empirical analysis*. (Unpublished master's thesis), Universitat Autònoma de Barcelona. Facultat de filosofia i Lletres, Graduat o Graduat a en Estudis Anglesos.

Ameri, S. (2018). A review of Zhirafar, Ahmad (2014). A comprehensive history of dubbing into Persian in Iran. *Sendebare*, 29, 355-359.

Ameri, S., & Khoshsaligheh, M. (2018). Exploring the attitudes and expectations of Iranian audiences in terms of professional dubbing into Persian. *HERMES-Journal of Language and Communication in Business*, (57), 175-193.

- Amirian, Z., & Dameneh, S. S. (2014). Microstrategies employed for translation of English humor subtitled into Persian. *Journal of Intercultural Communication*, 34(5).
- Andrés Galar, I. (2015). *Dubbing: The limitations and problems it presents and how to overcome them, with a critical analysis of the translation of humour in 'Modern family'sitcom*. (Unpublished master's thesis). Universitat Autònoma de Barcelona, Barcelona, Spain.
- Attardo, S. (2002). Translation and humour: An approach based on the General Theory of Verbal Humour (GTVH). *The translator*, 8(2), 173-194.
- Armat, M., Armat, M., & Googol, N. (2012). Humour translation in English cartoons subtitled into Persian. In *Proceedings of the Asian Conference on Education 2012* (pp. 1295-1306).
- Barauskienė, R., & Pociūtė, L. (2012). Challenges of humour translation in fiction. *Jaunųjų Mokslininkų Darbai*, (3), 48-53.
- Bayerl, P. S., & Paul, K. I. (2011). What determines inter-coder agreement in manual annotations? a meta-analytic investigation. *Computational Linguistics*, 37(4), 699-725.
- Bucaria, C. (2007). Humour and other catastrophes: Dealing with the translation of mixed-genre TV series. *Linguistica Antverpiensia, New Series—Themes in Translation Studies*, (6).
- Burczynska, P. (2012). Translation of cultural items in dubbed animated comedies. *Translation Journal*, 16(4), 2-4.
- Carra, N. J. (2009). Translating humour: The dubbing of Bridget Jones's Diary into Spanish. In J. D. Cintas (Ed.), *New trends in audiovisual translation* (pp. 133-141). Bristol, England: Multilingual Matters.
- Chaume, F. (2012). *Audiovisual translation: Dubbing*. Manchester, England: St. Jerome.
- Chiaro, D. (2010). *Translation, humour and the media: Translation and humour* (Vol. 2): Bloomsbury.
- Chiaro, D. (2014). *Laugh and the world laughs with you: Tickling people's (trans cultural) fancy* In D. Rosa, G. Luigi, F. Bianchi, A. De Laurentiis, & E. Perego (eds.), *Translating humour in audiovisual texts* (pp. 15-24). Bern, Switzerland: Peter Lang.
- Cintas, J. D. (2009). *New trends in audiovisual translation*. London, England: Multilingual Matters.
- Cui, S. (2012). Creativity in translating cartoons from English into Mandarin Chinese. *The Journal of Specialised Translation*, (17), 124-135.
- De Mooij, M. (2004). Translating advertising: Painting the tip of the iceberg. *The Translator*, 10(2), 179-198.
- Denton, J., & Ciampi, D. (2012). A new development in audiovisual translation studies: Focus on target audience perception. *LEA-Lingue e letteratura d'Oriente e d'Occidente*, 1, 399-422.

- Dynel, M. (2009). Beyond a joke: Types of conversational humour. *Language and Linguistics Compass*, 3(5), 1284-1299.
- Emam, A. (2017). Domestication techniques in Persian translation of English animations: Barnyard, Kung Fu Panda, and Hoodwinked. *Journal of Language and Translation Studies*, 49(4), 9-12.
- Fuente Luque, A. (2010). On the (mis/over/under) translation of the Marx Brothers' humour. In D. Chiaro (ed.), *Translation, humour and the media: Translation and humour* (pp. 175-192). New York, NY: Continuum.
- Fuentes Luque, A. (2003). An empirical approach to the reception of AV translated humour: a case study of the Marx Brothers' 'Duck Soup'. *The translator*, 9(2), 293-306.
- Gall, L. (2008). Translating humour across cultures: Verbal humour in animated films. Retrieved from <https://b2n.ir/067573>
- Gambier, Y. (2006). *Multimodality and audiovisual translation*. Paper presented at the MuTra 2006-Audiovisual Scenarios: Conference Proceedings.
- García Barros, J. (2015). *The translation of humour in English comedy series*, (Unpublished master's thesis), Facultat de Traducció i d'Interpretació Universitat Autònoma de Barcelona., Barcelona, Iran.
- Ghomi, P. (2009). English-Persian dubbed cartoons: Strategies applied in dubbing signifying codes. Retrieved from: <https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=166677>
- Jabbari, A. A., & Ravizi, Z. N. (2012). Dubbing verbally expressed humor: An analysis of American animations in Persian context. *International Journal of Humanities and Social Science*, 2(5), 263-270.
- Jankowska, A. (2009). Translating humor in dubbing and subtitling. *Translation Journal*, 13(2), 134-148.
- Khodabandeh, F., & Afzali, K. (2016). The impact of ideology on strategies applied in Persian dubbings of Sponge Bob Square Pants. *Translation Studies Quarterly*, 14(55), 41-55.
- Khoshsaligheh, M., & Ameri, S. (2016). Ideological considerations and practice in official dubbing in Iran. *Altre Modernità*, 15(Special Issue), 232-250.
- Kianbakht, S. (2015). Humor translation revisited: The case of Woody Allen's «Annie Hall» subtitled into Persian. *International Journal of Comparative Literature and Translation Studies*, 3(4), 27-31.
- Landis, J. R., & Koch, G. G. (1977). The measurement of observer agreement for categorical data. *Biometrics*, 33(1), 159-174.
- Lutviana, R., & Subiyanto, A. (2012). *The failure in translating humor: A case study in the Indonesian translation of humor graphic Novel The Diary of A Wimpy Kid*. (Unpublished master's thesis). State University of Malang, Indonesia.
- Martínez-Sierra, J. J. (2009). 'Translating audiovisual humour. A case study'. *Perspectives: Studies in Translatology* 13(4), 289-296.

- Nachkebia, T. (2012). Peculiarities of translation of a cartoon (on the example of the Georgian translation of 'Madagascar'). Retrieved from <http://www.spekali.tsu.ge/index.php/en/article/viewabstract/6/57>
- Nieminen, S. (2007). "Sgt. Pompous and the Fancy Pants Club Band": Comparing and contrasting the translations of verbal humor in screen translations of Shrek. Retrieved from <http://urn.fi/URN:NBN:fi:jyu-2007782>
- Nufus, D. Z. (2014). The acceptability humor translation of English to Indonesian in The Movie Penguins of Madagascar: Discover their untold story thanksgiving. *Buletin Al-Turas*, 20(1), 99-116.
- O'Brien, S., & Saldanha, G. (2014). *Research methodologies in translation studies*. London, England: Routledge.
- Paris, A. (2010). *Translating humor: Achieving the universal chuckle*. Retrieved from <http://www.acclaro.com/translation-localization-blog/translating-humor-achieving-the-universal-chuckle-99>
- Rahmawati, A. A. (2013). *Verbal humor in the Rio animated film and its translation in the Indonesian subtitling*. (Unpublished master's thesis), Universitas Negeri Yogyakarta, Indonesia.
- Raphaelson-West, D. (1989). On the feasibility and strategies of translating humour. *Meta: Journal Des Traducteurs/Meta: Translators' Journal*, 34(1), 128-141.
- Sadeghpour, H. R. (2013). *Investigating translation strategies used in Persian dubbing of English comedy animations with focus on humorous, idiomatic and colloquial expressions*. (Unpublished master's thesis). Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Sadeghpour, H. R., & Omar, H. C. (2015). Humor translation in Persian subtitled comedy movies into English: A case study of 'Lizard'. *Theory and Practice in Language Studies*, 5(10), 1995-2004.
- Shavit, Z. (1981). Translation of children's literature as a function of its position in the literary polysystem. *Poetics Today*, 2(4), 171-179.
- Song, C. (2012). Creativity in translating cartoons from English into Mandarin Chinese. *The Journal of Specialized Translation*, 17(2), 124-135.
- Spanakaki, K. (2007). Translating humor for subtitling. *Translation Journal*, 11(2), 1-24.
- Tahami, A. (2010). *How to dub film*. Tehran, Iran: Negah.
- Tisgam, K. H. (2009). Translating cultural humour: Theory and practice. *Wasit Journal for Humanities*, (9), 79-121.
- Tymoczko, M. (2000). Translation and political engagement: Activism, social change and the role of translation in geopolitical shifts. *The translator*, 6(1), 23-47.
- Vandaele, J. (2002). Humor mechanisms in film comedy: Incongruity and superiority. *Poetics Today*, 23(2), 221-249.
- Vandaele, J. (2010). Humor in translation. *Handbook of translation studies*, 1, 147-152.

Venuti, L. (2017). *The translator's invisibility: A history of translation*. London, England: Routledge.

